



— دوره هفتم تقنینیه —

جلسه	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره
۷۷		۷۷
تاریخ تأسیس آذر	مندرجات	قیمت اشتراك
۱۳۰۵	فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود	داخله ایران سالیانه ده تومان خارج ۴ دوازده تومان
جلسه یکشنبه ۱۹	— — —	قیمت تک شماره
آبان ماه ۱۳۰۸	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود	يك قران
مطابق ۷ جلدی التانیه	مطبوعه مجلس	
۱۳۴۸		

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۹ آبان ماه ۱۳۰۸ * (۷ جادی الثانیه ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) اقتراع شعب
- ۳) بقیه شور لایحه نصف عدوانی
- ۴) سؤال آقای اعتبار راجع بخارج برسنلی بلدیہ ما
- ۵) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و سه ربع قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل گردید

(۱ - تصویب صورت مجلس)

صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۶ آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * *

- رئیس - آقای آقا سید یعقوب
- آقا سید یعقوب - قبل از دستور
- رئیس - آقای فرخی
- فرخی - قبل از دستور
- رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟
- (اظهار شد خیر)
- رئیس - بطوریکه خاطر آقایان مطلع است شعب
- مدانشان بانتهای رسیده است و مبیایستی مجدداً انتخاب
- شود. عده حاضر ۱۰۷ نفر است بهر شعبه هفده نفر
- رئیس - صورت مجلس تصویب شد .
- (۲ - اقتراع شعب)

* عن مذاکرات مشروح هفتاد و هفتمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه باستثنای مذاکرات قبل از دستور (مطابق ۸ آذرماه ۱۳۰۵)
دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * اسامی غائبین خوانده نشده است

تقسیم میشود پنج نفر باقی میماند که از شعبه يك شروع و تقسیم میشود .

(آقای مؤید احمدی «مدنی» اقتراح نموده شعبه سته)
(بترتیب ذیل معین گردیدند)

شعبه اول - آقایان : دکتر لقمان - امیر حسین خان ایلخان - شریعت زاده - آیه الله زاده شیرازی - صادقی عباس میرزا فرمانفرمائیان - مهدوی - دکتر عظیمیا زوار - قرآکز او - ذوالقدر - مقدم - عراقی - حاج آقا رضا رفیع - خواجوی - فهیمی - شهید

شعبه دوم - آقایان : دربانی - احتشام زاده - فرخی حبیبی - عدل - محمد تقیخان اسعد - الفت - شیخ محمد جواد - کفائی - دهستانی - طهرانی - فرشی اعتبار - میرزا عبدالحسین خان دیبا - آقا سید مرآتی وثوق - یاسائی - مرآت اسفند باری

شعبه سوم - آقایان : امین پور محسن - اسکندری افخمی - حسنعلی میرزا دولتشاهی - امیر تیمور کلالی حاج آقا حسین رهبری - نوبخت - سهرابخان ساکینیان رحیم زاده - محمدعلی میرزادولتشاهی - محمدولی میرزا - ملک مدنی - آقا سید محمدتقی طباطبائی - امیر دولتشاهی - ایزدی محمد حسنخان مسعودی - میرزا حسین خان موقر .

شعبه چهارم - آقایان : ارباب کیخسرو - میرزا محمود خان ناصری - آقا سید حسین آقایان - دادگر - افسر بنکدار - روسی - فتوحی - سید ابراهیم خان شریفی - اورنگ شیخ الملکی - بوشهری - قاضی نوری - دکتر امیراعلم - کاشانی - سید ابراهیم ضیاء - طباطبائی و کبلی خطیبی .

شعبه پنجم - آقایان : آقا شیخ علی مدرس - کبیای نوری - جلالی - دکتر طاهری - علیخان اقبال - آقا میرزا هاشم آشتیانی - آقا سید کاظم یزدی - میرزا حسن خان وثوق مرآتی - قلیخان بیات - دکتر مهدبخان ملک زاده -

سلیمان خان اسدی - حکمت - مجدضیائی - حاج علی اکبر امین - حاج میرزا حبیب الله امین - عامری - آقا زاده سبزواری .

شعبه ششم - آقایان : دشتی - کازرونی - مؤید احمدی فولادوند - بزرگ نیا - دبستانی - مصدق جهانشاهی - همراز - میرزا اسمعیل خان نجومی - دیوان بیگی - ملک آرائی - فیروز آبادی - میرزا بانس - ظفری - لاریجانی - مفتی - حاج سید محمود .

راجع بشعبه اول - آقای امیر ابراهیمی

راجع بشعبه دوم - آقای تیمور ناس

راجع بشعبه سوم - آقای پالیزی

راجع بشعبه چهارم - آقای مصباح فاطمی .

راجع بشعبه پنجم - آقای آقا سید یعقوب

رئیس - از آقایانی که برای شعب انتخاب شده اند نمی میکنم که سرعت هیئت رئیس خودشان را انتخاب کنند که کارهایی که داریم موقوف نماید مخصوصاً کمیسیون عریض را تسریع کنیم و کارهای زیادی است که باید کمیسیون عریض انجام بکند ادراک وقت کرده باشد .

(۳ - بقیه شور لایحه تصرف عدوانی)

رئیس - ماده دوم لایحه پیشنهادی کمیسیون عدلیه راجع بطرز جلوگیری از تصرفات عدوانی قرائت میشود و مطرح میشود . شور اول است :

ماده دوم - هرگاه کسی مالی را اعم از منقول و غیر منقول که در تصرف غیر بوده است عدواناً تصرف کرده است مأمورین حفظ انتظامات عمومی نمیتوانند مال مزبور را بتصرف متصرف اول بدهند مگر با اجازه ذنبی مدعی العموم محل و این اجازه داده نخواهد مگر در در صورتیکه از تاریخ تصرف عدوانی بیش از یکماه نگذشته باشد هرگاه از مقرر مدعی العموم تا محل وقوع تصرف عدوانی بیش از پنج فرسخ فاصله باشد بترتیب ذیل خواهد شد

در صورتیکه در پنج فرسخی از محل وقوع تصرف عدوانی این صالح باشد امین صلح و الا حاکم یا نایب الحکومه که در این مورد از طرف وزارت عدلیه بسمت نمایندگی مدعی العموم معین میشود اجازه مذکور در فوق را خواهند داد . در این موارد حاکم یا نایب الحکومه باید در ظرف پنج روز راپرت اقدام خود را برای مدعی العموم ارسال دارند .

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم بعقیده بنده بهترین قانونی که قوانین قضائی را در مملکت محکم کرده باشد همین قانون است که آقای وزیر عدلیه تهیه کرده اند ولی متأسفانه يك اشکالاتی در ضمن مواد و در این ماده بخصوص بنده دیدم که خواستم خاطرشان را تذکر بدهم ما وضعیت وزارت داخله مان از حیث جریان حکام بعقیده بنده چندین رضایت بخش نیست بجهت اینکه در غالب جاها ما يك مشت نایب الحکومه بی حقوقی داریم که آنها را حکام جزء حکام ایالات و ولایات بمحلها میفرستند و اینها باید مردم هستند و معلوم نیست که از چه محل اعاشه میشوند زیرا بودجه ندارد و فقط باید اینها اعاشه شوند از این جهاتی که برای مردم تولید اشکال و زحمت میکنند و بعقیده بنده اصلاً اینچا حاکم نفرستند صلاح و سعادت است تا وقتی که بودجه پیدا کنند اما آمده ایم يك اختیاری هم در این قانون باین حکام داده ایم میگوئیم این نایب الحکومه که هیچ حقوق ندارد هیچ مسئولیتی بهش تعلق نمیگیرد که در مقام کار پرل بایشان بدهند و در مقابل خدمت اجرت بگیرند این نایب الحکومه آمدن بعنوان تصرف عدوانی چسبید بپدر پای مردم حالا يك عیب دیگر هم دارد و آن این است که يك جزائی برای این معلوم نکرده اند در این قانون که اگر يك نایب الحکومه آمد بعنوان تصرف عدوانی يك زحمتی برای يك کسی من غیر حق ایجاد کرد این را چکارش باید کرد . بنده هیچ جا ندیدم . بنده نگاه کردم هیچ جا يك مجازاتی برای این قائل نشده اند

که اگر يك نایب الحکومه تخطی کرد این نایب الحکومه اینطور مجازات بشود . پس فردا آمد و بیکنفر چسبید برای يك غرض خصوصی گفت مثلاً این خانه را تو تصرف عدوانی کرده ای یا این اسب را یا این انومبیل را آمد و از دست او در آورد . نا این برود از جریان عدلیه احقاق حق خودش را بکنند شاید این حاکم را عوض کرده باشند و رفته باشد و شاید من بعد نتوانند پیدایش کنند و بفهمند کجا این زندگی میکند . بنده با این قسمت مخالفم و اگر آقای وزیر عدلیه نظر محترمشان باشد در قسمت مرور زمان ما عرض می کردیم غالب جاها حاکم صلحیه میخواهد قانون را در نقاطی اجرا بفرمائید که حاکم صلحیه دایر شده باشد این قسمت را هم معلق بدارند بجایهایی که صلحیه دارد . بجایهایی که جریان قضائی دارد . نه جایهایی که نایب الحکومه ها را بر مردم مستولی کند . بنده دیدم غالب آقایان که مذاکره کردند در این ماده هیچکدام این قسمت را متذکر نشدند و این بعقیده بنده يك مسئله مهمی است که ما نمیتوانیم برای اشخاصی که حقوق نمیگیرند يك مسؤلیت ایجاد کنیم و آن مسؤلیت باعث شود که تضییع حق مردم را بکنند بنده اطلاع دارم در همین محل رکالت بنده جیرفت و رودبار چهل فرسخ از شهر کرمان دور است حاکم هم اصلاً حقوق ندارد آنجا چسبید بطور غرض باشخاص که این خانه که تو داری تصرف عدوانی کرده ای زیرا که خواهر زاده ات مدعی است که تو این تصرف عدوانی را کرده ای . اینرا آمدند از او گرفتند . برای بنده خیلی مشکل بنظر میآید . بنده عقیده دارم در این ماده يك تبصره علاوه کنند . این را در شور دوم مخصوصاً آقای مخبر هم متوجه شوند که يك جزائی برای تخلف که اگر من غیر حق يك حاکمی يك نایب الحکومه يك چیزی را بعنوان تصرف عدوانی از يد کسی خارج کرد این باید بر طبق فلان ماده از قانون جزای عمومی مجازات شود و بهتر همان است که این قانون جائی اجرا شود که حوزه های قضائیش کاملاً تأمین شده باشد و در

جاهائی که نیست مثل سابق عمل کنند. هیچ مانعی هم ندارد هر وقت وزارت عدلیه توانست در هر محل صلحیه برقرار کند این قانون هم پشت سرش در آنجا برود و این حکام بی حقوق و نایب الحکومه های غیر مسئول را در امور قضائی اجازه ندهند دخالت کنند والا بعقیده بنده يك هرج و مرجی تولید می شود که بیشتر زبان آور است تا سود.

آقای داور (وزیر عدلیه) - اغلب نایبندگان محترم در موضوع این لایحه مکرر شده است که با بنده صحبت کرده اند خود نماینده محترم آقای روحی هم با بنده کرا را صحبت داشته اند (روحی صحیح است) که چه بکنیم در يك نقاطی که تشکیلاتی نداریم و در نقاطی که دور است و ممکن است يك دعوی پیش بیاید يك مرجعی از برای مردم معین شود و علاوه چه باید کرد که اصولاً برای بعضی از اعمال يك وسائل سریع برای سهولت امر درست کرده باشیم و بعد از مشورتهای زیاد ما اینطور تصور کردیم که بهتر است يك همچو صورتی تهیه کنیم چرا؟ برای اینکه اولاً نه تنها ما نمیتوانیم در فاصله يك ماه دو ماه شش ماه یکسال در هر ده فرسخ بازده فرسخ فاصله این مملکت يك محکمه تشکیل کنیم و موفق نمیشویم در هیچ جای دنیا هم معمول نیست مرده فرسخی يك محکمه داشته باشد منتهی اینجا وسایل ارتباط هم کمتر است و این دوری محل بیشتر صدمه میزند بنده اگر بیایم و امروز وعده بدم که از اول سال ۱۳۰۹ در هر بلوکی در هر قصبه يك محکمه صلحی تشکیل خواهم داد يك حرفی زده ام که از عهده انجاش نمیتوانم برآیم برای اینکه از برای کار آدم لازم است و باید اشخاص تهیه شوند و اشخاص آماده نیست و کلاس قضائی هم که ما برای این کار درست کرده ایم و الان یکسال است که مشغول کار است و چند ماهی طول خواهد کشید يك عده کمی ازش بیرون خواهد آمد حالا بنده از آن قسمت دیگر که چقدر بودجه برای مملکت لازم است

صحبت نمیکند خبر فرض کنیم که پول هم هست ولی از نقطه نظر افرادی که میتوانند این کار را بکنند عرض میکنم علاوه بر این فرق بین يك جریان قضائی و يك جریان اداری در همین مسئله معین خواهد شد. در هیچ جای عالم نتوانسته اند این دو را بصورت هم بکنند این است که ما آمده ایم و در مسئله تصرف عدوانی خواستیم بشکل اداری حل کنیم نه بشکل قضائی بر فرض هم میخواستیم در تمام نقاطی که يك جمعیتی هستند در بلوکات يك محکمه تشکیل بدهیم نازه آنوقت باید آن حاکم را هم بصورت اداری تشکیل بدهیم و الا مدتها طول خواهد کشید ما آمدم این راه حل را بعد از مشورت با خیلی از آقایان پیدا کردم چون تقریباً بیش از یکسال این مذاکره و صحبت در بین بنده و بعضی از آقایان نمایندگان بوده است تا بالاخره باین ترتیب پیش آمده حالا آقا فرمودند اینجا (از برای اینکه آن جنبه با اصطلاح تکرانی فکر خودشان را نشان بدهند) نایب الحکومه های بی حقوق و غیر مسئول اولاً بنده در این لایحه ملاحظه میفرمائید تأمین کرده ام این نظر را که این حق بنایب الحکومه هائی داده خواهد شد که وزارت عدلیه عقیده دارد و معین میکند بنا بر این بنایب الحکومه بی حقوق وزارت عدلیه همچون عقیده نداشته و بنده هم اینجا تعهد رسمی میکنم که هیچوقت بنایب الحکومه بی حقوق این حق را ندهیم.

امیر تیمور کلالی - پس تکلیف مردم آنجا چه میشود؟
وزیر عدلیه - بالاخره تکلیف مردم آنجا را باید آقای روحی جواب بدهند و بگویند که مردم آنجا اگر يك کار خلاف ترتیبی هم بشود بهتر از این است که مملکت بدست يك اشخاصی که حقوق ندارند داده بشود تا وقتی که بودجه درست شود و الا بدون بودجه ممکن نیست این کار را کرد. تو برو آنجا و حق داشته باش و مداخله کن در حقوق مردم این مسئله مزخرف است پس آنوقت گفتگوی يك نایب الحکومه هائی است یعنی يك مأمورین که دارای يك حقوق باشند. حالا که اینطور شد می

خواهیم به بینیم مسئولیت اینها دارند بانه در این لایحه نوشته شده که حکام و نایب الحکومه ها در قسمت این کار هائی که میکنند مسئول وزارت عدلیه هستند و در عاومات اداری وزارت عدلیه محاکمه میشوند علاوه در ماده چهار نوشته شده است اگر بنا شد کسی آمد و معلوم شد که اقدامش برخلاف ترتیب بوده هرگاه در محاکم صالحه معلوم گردید که مال از تصرف کسی که سبق تصرف داشته خارج شده است چون اصل عمل این است که يك کسی تصرفی داشته است و دیگری عدواناً سلب تصرف کرده است اعم از اینکه آن شخص اولی که تصرف کرده است بحق متصرف بوده یا ناحق کار باین نداریم اگر همینقدر معلوم شد که این شخصی که مال را از دستش گرفته اند این شخص متصرف بوده است و بیخود آمده اند بعنوان تصرف عدوانی مالش را از دستش گرفته اند این شخص مجازات دارد و نوشته است که اقدام کنند مسئول خسارت وارده بر او خواهد بود. بنده تصور نمیکند يك نایب الحکومه را نشود پیدا کرد (این رایگ قدری بی لطفی فرمودند) هر قدر هم يك نایب الحکومه کمنام باشد این اندازه ممکن هست که اگر بنا شد تخلف کرد او را پیدا کرد و مجازات کرد مع هذا اگر جنابعالی برای تأمین فکر خودتان يك مجازات بیشتری که مناسب هم باشد با قانون و کار را هم فلج نکند باعث این هم نشود که وقتی يك کسی میرود جلوی نایب الحکومه میگوید آقا الان عدواناً آب مرا گرفته اند و ملکم خشک میشود آنقدر طول بدهد از ترسش و اینقدر ماطله کند که وقتش بگذرد باعث يك همچو فرضی نشود که اصل آن مقصودی که ما از این لایحه داریم از بین ببرد اگر همچو مجازاتی علاوه بر اینکه ما در اینجا پیش بینی کرده ایم بنظر آن میزند پیشنهاد بدهید بنده هم کاملاً موافقم.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده بیشتر مراضیم در طرز الشاء

و تدوین ماده است و الا در اصل ماده بر خلاف آقای روحی بنده موافقم که با همان نایب الحکومه ها هم اگر خودشان این مسئولیت را قبول کنند و مجازات ماده چهارم را متقبل شوند چه ضرری دارد (کازرونی - صحیح است) که نایب الحکومه که خودش میداند این مسئولیت را دارد که وقتی خلاف قاعده يك کاری را بکند باید از عهده خساراتش برآید (کازرونی - این هم عمل قطعی نیست) مانعی ندارد که آن مسئولیت را قبول بکند و این قانون را هم اجرا کند. و الا اگر چنانچه بخواهیم ناهین نظریه آقای روحی را بکنیم این قانون بی مصرف میشود برای اینکه در مملکت باستثنای چندین نقطه که حکام یا نایب الحکومه هایش حقوق دارند دیگر نایب الحکومه ها با حقوق نیستند پس بنا بر این بعقیده بنده این اشکالی که نماینده محترم کردند و حضرت آقای وزیر هم يك قدری تصدیق کردند بنده عقیده ام این است که این اشکال وارد نیست و همین نایب الحکومه هائی که هستند وقتی که حکم نایب الحکومه کی بهشان میدهند و بهشان تذکر میدهند یا اینکه حقوق هم ندارند باید این مسئولیت را قبول کنند اگر نمیخواهند قبول نکنند و آن جزای ماده چهارم را هم متقبل شد که اگر چنانچه بر خلاف وظیفه رفتار کرد مسئول خسارات وارده هست پس در اینصورت مانعی ندارد که این کار را بکند. اما عرضی که خود بنده داشتم يك قسمت مهمش راجع بطرز الشاء این ماده است که منظور از این ماده این است که چنانچه تصرف عدوانی که در ماده اول ذکر شد در موقع تصرف ممکن نشد استردادش مقصود این است که تا کی ممکن است تصرف را بر گردانند و بچه وسیله مقصود از ماده دوم این است که تا چه مدت ممکن است این تصرف را بحال اول بر گردانند و طریقی چیست در صورتی که شروع ماده طوری نوشته شده که میگوید هرگاه کسی مالی را اعم از منقول و غیر منقول که در تصرف غیر بوده عدواناً تصرف نماید مأمورین حفظ انتظامات عمومی نمیتوانند مال مزبور را بتصرف متصرف اول بدهند حالا این اصلاح عبارتش را بنده يك پیشنهادی کرده ام

يك اشكال ديگرى كه دارد بظاهر يك تناقضى بين اول ماده و آخر ماده هست در اول ماده ميگويد كه طرز استرداد اين است فقط با اجازه مدعى العموم قرار داده است بدون استثناء. در قسمت آخر ميگويد نایب الحكومه ها و حكام و امین صالح هم میتواند بظاهر يك عدم تناسب و يك تناقضى بين اول ماده با آخر ماده هست اين هم در اصلاح عبارتى كه بعد پیشنهاد میشود بنده عقیده ام اين بود كه پیشنهاد كنم بعد خواستم عرایضم را هم عرض كنم كه پیشنهاد ها در كميسيون يك دقتى هم درش بشود يك چیز ديگر كه بنده نظرم است اين است كه تعيين تا پنج فرسخ با اجازه مدعى العموم است و اضافه از اين باز تا پنج فرسخ اگر امین صالح و محكمه بود او خودش عمل ميكند اينها يك اشكالاتى در اجرا و تفسیر قانون تولید ميكند كه فلان محل تا اینجا پنج فرسخ است يا چهار فرسخ و نیم است زيرا اينها مساحت صحیحى نشده بعقیده بنده خوب است كه بگوئيم در شهر و حومه اجازه با مدعى العموم باشد و خارج از اين قسمت با حاكم يا نایب الحكومه كه تكلیف واضح و روشن باشد نه اينكه تا پنج فرسخ باشد بعد تعيين فرسخ اشكال شود بعد بيائيم اين پنج فرسخ كه تمام شد باز تا پنج فرسخ ديگر علاوه كنيم كه با اجازه امین صالح است و فلان و چندین قيد و شرط برایش قائل شويم. اين در تفسیری كه قاضی باید بكند اسباب اشكال خواهد شد. ساده ترش اين است كه در شهر و حومه با مدعى العموم در خارج از اين دو قسمت با حاكم يا نایب الحكومه باشد وزير عدليه - در قسمت نایب الحكومه هاى بی حقوق بنده همان مرضى را كه قبلا كردم (ولو اينكه نماینده محترم موافق باشند با اين نظر كه هيچقدر كه يك نایب الحكومه آمد و اين مسئوليت را قبول كرد ولو اينكه بی حقوق هم باشد مانع ندارد) بنده شخصاً چون معتقد نيستم باین كار بنا بر اين بهمان نظر اول خودم باقى هستم اما راجع باصلاح عبارتى كه فرمودند

آزما كاملاً موافق هستم در جلسه قبل هم آقای دكتر حسنخان تذكر دادند و فرمودند بهتر است كه اصلاح شود البته اصلاحاتى كه آقایان پیشنهاد خواهند كرد ميروند بكميسيون و با نظر كميسيون يك عبارتى نهييه ميشود كه موافق نظر آقایان باشد اما راجع بمسئله پنج فرسخ و پیشنهادى كه فرموديد كه خوب است در شهر ها با اجازه مدعى العموم باشد و در خارج از شهر ها با نواب حكومت بعقیده بنده اين قدرى اشكال دارد برای اينكه ملاحظه ميفرمائيد در خارج از شهر الان در بلوك و رامين ما امین صالح داريم خوب مناسب ندارد در صورتيكه امین صالح اگر هست بنایب الحكومه رجوع شود بنده خيال ميكند باین نایب نظر آقا يك راه ديگرى هست كه ما بتدریج اين عمل را خواهيم كرد باید در هر محل معين كرد يعنى اعلان كرد آن نایب الحكومه آن مامورى كه در آنجا هست كه شما در امور مربوطه بتصرف عدوانى در كارهاي راجع باین دعات باین نقاط شما اين حق را داريد. اين ترتيب كه شد آنوقت در هر مورد تكلیف هر كس معلوم ميشود

رئيس - آقای كازرونى

كازرونى - بنده در يك قسمت از اظهاراتى كه شده البته نفياً و اثباتاً موافقم لكن يك تذكرى ميخوانم بدم و آن اين است كه با اين بكمماهى كه در اینجا قائل شده اند بنده عقیده ام اين است كه نه تنها نتيجه كه در نظر دارند نامين نميشود بلكه نتيجه معكوس خواهد شد زيرا كه ممكن است نایب الحكومه يا امينه يا كس ديگرى كه متصدى يا مباشر است بتعال بگذرانند علاوه بر اينكه مردم هم قانون نميدانند راهها هم دور است وسايل ثقلیه و حمل و نقل هم در دعات و قراء و بلوكان وجود ندارد و بالاخره بكمماه منقضی ميشود و نقض غرض خواهد شد. اين است كه عقیده بنده اين بود كه اگر چنانچه همان قوانين سابق را كه بكسال قرار

داده بودند كه آثر در محكمه مدعى العموم ثابت ميشود كه ايراث تصرف عدوانى شده بعد از تحقيقاتى اين ملك يا آن مال را می گرفتند بصاحبش ميدادند بهتر بود لكن چون ميدانم موافقت حاصل نى نود بنده معتقدم سه ماه و اگر نشود اقلال دو ماه باشد كه يك فرجه باشد برای شخصى كه مالی از دستش بزور و بطور عدوان گرفته ميشود. اين است عقیده بنده و گمان ميكند حضرت آقای وزير هم موافقت داشته باشند با سائى (مخبر كميسيون) - راجع بمدت رفع تصرف عدوانى در جلسه قبل هم آقای كازرونى تذكر فرمودند بالاخره مقصود اين است كه بكمماه فرجه بدهيم بمتظلم كه شكایت كند ديگر عملش را كه چه بكنند اين را كه نميشود در قانون پيش بينى كرد. گفته ميشود كه از تاريخ شروع تصرف عدوانى تا يك ماه متظلم ميتواند شكایت كند لكن است مأمور برای رسيدگى و تحقيق شش ماه طول بكشد كارش ناسترداد بكند مال را و برگرداند بصاحبش اما آن نظرى كه اساساً دارند كه مدت اين شكایت متظلم بيشتر باشد بنده هم آنقدرها مخالف نيستم و با آقای وزير عدليه هم در جلسه قبل مذاكره كرديم كه خوب است اينها را يك كاسه كنيم و اگر طوري بشود كه تمام گفتگوها و طرز رسيدگيهاى مربوطه بتصرف عدوانى را يك نسق كنيم البته بهتر است چون حالا نكرده ايم. اين مأمورينى كه در اين قانون معين شده است رسيدگى ميكند و برگرداند مال را و اگر از يك ماه گذشت باید برود بملجبه يا همان تشریفاتى كه در قانون هست و البته اگر بشود كه در جور نكنيم بهتر است و اينرا آقایان اجازه بدهند كه در شور نالی بيشتر درش مذاكره بشود. آقایان هم اگر نظرياتى دارند پیشنهاد بكنند كه يك كاسه و بكسان بشود.

بعضى از نمایندگان - مذاکرات كافی است

رئيس - مذاکرات كافی است ؟

(اغلب از نمایندگان - بله)

رئيس - پیشنهادات قرائت ميشود : بنده پیشنهاد ميكند كه جمله ماده ۲ (اين اجازه داده نخواهد شد مگر در صورتيكه از تاريخ تصرف عدوانى (الخ) اين طور اصلاح شود) و اين اجازه داده ميشود در صورتيكه بيش از يكماه از تاريخ تصرف عدوانى نگذشته باشد) دكتر حسنخان

بنده پیشنهاد ميكند كه اين جمله از ماده ۲ (در صورتيكه در پنج فرسخى از محل الخ) اينطور اصلاح شود (در صورتيكه در پنج فرسخ يا بيشتر از محل وقوع تصرف عدوانى الخ) والا با قسمت اول ماده مخالف خواهد بود . دكتر حسنخان

بنده پیشنهاد ميكند در ماده دوم يكماه بدوماه تبديل شود كازرونى

پیشنهاد ميكند در ماده دوم در اول صفحه سطر اول بعد از كلمه امین صالح باشد اضافه شود : بدون تشریفات محاکمه بمجرد اظهار

بنده پیشنهاد ميكند پنج فرسخ در ماده دوم به ده فرسخ تبديل شود كازرونى

بنده پیشنهاد ميائيم كه قسمت اول ماده ۲ بترتيب ذيل اصلاح شود : هرگاه كسى مالی را اعم از منقول و غير منقول كه در تصرف غير بوده است. در صورتيكه از تاريخ تصرف عدوانى بيش از دو ماه نگذشته باشد ميتواند مال مزبور را بتصرف متصرف اول بدهند لاريجائى

رئيس - ماده سوم قرائت ميشود :

ماده سوم - در مورد مواد قبل حاكم يا نایب الحكومه مسئول وزارت عدليه بوده و رسيدگى بتقصيرات ادارى آنها راجع بدو ماده فوق در محكمه ادارى آن وزارت خانه بعمل خواهد آمد .

رئيس - آقای آقا سيد يعقوب

آقا سيد يعقوب - بنده اين جا خواستم از آقای

وزير عدليه يك سؤال كنم (آقای وزير عدليه توجه

بفرمائید) در ماده دوم آمدیم نه اینکه در واقع قضاوت را بلکه شبه قضاوت و يك حقى براي نایب الحکومه با حاکم قائل شدیم. يعنى چه؟ يعنى براي حفظ اموال مردم و براي جلوگیری از تعدی و ظلمی که مردم میشود يك حق شبه القضاة يك حقى بحاکم یا نایب الحکومه دادیم بعد که این را قرار دادیم این را هم مسئول وزارت عدلیه قرار دادیم. این جا نوشته است که در صورت رسیدگی بتقصیرات اداري راجع بدو ماده فوق. تقصیر اداري نیست راجع بتقصیر فعلی است ما آمدیم يك حق قضاوت يعنى يك شبه القضاة و مداخله در امور حقوقی را بدست آت ها دادیم. صحبت تقصیرات اداري نیست که مثلاً به ترتیب اداري رفتار کرده یا نکرده مثلاً با جوهر نوشته شده یا نشده است این نیست در واقع بنده عقیده ام این است که با محکمه اداري را بنیم و بگوئیم مسؤل وزارت عدلیه هستند و وزارت عدلیه آنها را مسؤل قراردادها است. اینها را که باید محاکمه کنند؟ در محکمه اداري این کاری آید؟ اگر باید این کار بشود در محکمه انتظامی بشود حالا باید این معلوم شود چون مداخله کردن در حقوق است این است که بنده پیشنهاد میکنم بعد هم در کمیسیون مذاکره میکنم که اینها مسؤل وزارت عدلیه هستند و محکمه انتظامی محاکمه خواهد کرد یا خير در محکمه اداري می رود این بود نظر بنده که خواستم تذکر بدم.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض میشود همانطور که خود آقای آقا سید یعقوب فرمودند اینها يك کار های قضائی هست ولی تصدیق بفرمائید که در محکمه انتظامی يك اصول و نظاماتی مقرر است که این نایب الحکومه هائی که همه در نظر داریم مشکل است که از آنها خلاص شوند يعنى دوسیه کار را طوری تنظیم کنند که محکمه انتظامی نتواند هیچگونه ایرادی بکند و این ارجاع شکایت از نایب الحکومه محکمه انتظامی نتیجه این است که این

کردند محکمه اداري بر طبق کدام قانون این را مجازات میکنند؟ بنده که اینجا چیزی ندیدم مگر اینکه برطبق يك مقررات و نظامنامه آقای وزیر دعین کنند در هر صورت بنده معتمد قانون برای اجرا و تنظیمش جز مجازات هیچ چیز دیگری مؤثر نیست.

وزیر عدلیه - اعمالی را که بکنفر مأمور دولت میکنند که از حدود آن تکالیفی که معین کرده اند تجاوز کرده است که اداري حساب میشود يك تقصیری است که اداري حساب میشود و مجازاتش هم مجازات اداري است يعنى دیگر جرم عمومی نکرده است این را اداره حبس نمیکند. ولي خير يك وقتی است که تعدی پیدا میکنند و معلوم میشود يك شخصی است که مشمول یکی از موارد راجع به تعدیات مأمورین دولتی است و يك جرم عمومی مرتکب شده البته این بایستی در محاکم عمومی عدلیه در محاکم جزائی محاکمه شود

روحی - راجع باین قانون بخصوص

وزیر عدلیه - اینها دیگر لازم نیست در این جا ذکر شود این حکم کلی است در هر قانونی که نباید اشاره کرد يك حکم کلی است که وقتی بنشیند يك مأمور يک جرمی میکند او را چکار باید کرد برای او يك شرایط و تکالیفی معین شده و آن مأمور مجرم است و بالاخره يك مجازاتی هم قانون برایش معین کرده است. يك قسمت هم مجازات اداري است. این مأمور دو جنبه دارد يك جنبه اش مأمور وزارت داخله است اگر تقصیری کرد با وزارت داخله است يك جنبه اش نمایندگی از طرف مدعی العموم است و مأمور وزارت عدلیه است اگر در آن قسمت تعدی کرد در محاکمات اداري وزارت عدلیه محاکمه میشود يعنى این يك جرمی نکرده است که مجازات غیر اداري بشود حبس بشود این يك کسی است که يك کاری کرده است که در حدود تخلفات اداري محسوب می شود و البته برای او يك نظامنامه مفصلي ما مجبور هستیم بنویسیم نه تنها برای تخلفات او بلکه در مرحله اول

ما مجبوریم يك دستور خیلی ساده و همه کس فهمی تهیه کنیم که چه جور چیز ها را تصرف عدوانی میکنند زیرا اگر همین يك ماده قانونی را که شما ملاحظه میفرمائید بنحوا هم توضیح بدهیم که آیا چه اعمالی تصرف عدوانی است يك کتاب بزرگ میشود ولی باید يك تکلیف صاف و ساده نوشت و از روی آن معلوم کرد که تکلیف اینها چیست و وقتی هم بما رجوع کردند تکلیف چیست و از آنطرف هم مجازات اداري درجانش در قانون استخدام کشوری معین شده است که از توییح میگیرند تا انفصال دائم حالا اگر این شخص عملش يك عملی بود که بیش از اینها قابل تعقیب بود به عبارتی آخری اگر شرایطی را که قانون مجازات عمومی آمده است مقرر داشته است وقتی این شرایط جمع شد و يك جرمی صورت وقوع پیدا کرد اگر جرمی بوده بایستی اعمالش را در مقابل محکمه جزاورد و در آنجا محاکمه شود

روحی - اگر تصدیق حق کرد.

وزیر عدلیه - تصدیق حق بالاخره یکی ازین دو صورت است (چون پرسیدند مجبوریم بگوئیم) باین است که يك تخلفی کرده که جرم عمومی محسوب نمیشود و تخلف اداري است البته مجازات اداري میشود این مال این قسمت اگر عملش يك عمل مجرمانه است و يك جرمی است آنوقت مثل تمام مأمورین دیگر بایستی برود در محکمه عمومی محاکمه شود.

رئیس - پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب قرائت میشود: پیشنهاد میکنم در ماده سوم کلمه اداري حذف شود و بعد از کلمه تقصیرات عوض اداري نوشته شود که ناشیه از عمل آنها است.

رئیس - ماده چهارم خوانده میشود:

ماده چهارم - در مورد مواد ۱ و ۲ پس از اینکه مال در تصرف کسی ابقاء شد دیگر مدعی انعموم یا سایر مأمورین مذکور در مواد فوق نمیتوانند آن را

قانون عملی نشود زیرا اینها آنطور مثل قضات درست اطلاعات کافی از نقطه نظر علم و عمل ندارند بعلاوه مقصود ما این بود که يك تشریفات زیادی بعمل نیاید و محکمه انتظامی هم که نباید نظارش خارج از دوسیه باشد در هر حال وزارت عدلیه اگر بایک ترتیبات اداري رسیدگی بشکایات بکند خیال میکنم انطباق و بهتر است بعلاوه آنقدر هم کار این ها اهمیت ندارد که به محکمه انتظامی رجوع شود.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم بنده در محکمه انتظامي و اداري اشکالی ندارم البته محکمه انتظامی با این کار های زیادی که دارد نمیتواند باین جزئیات برسد و حقیقاً هم نباید ما آن را دخالت بدهیم و بنده همان محکمه اداري را کافی میدانم ولی این دستور برطبق کدام مقررات و کدام قوانین است که اگر يك نایب الحکومه حقى را تضییع کرد این را مجازات میکنند بنده این قسمت را در این قانون نمی بینم حتی آقای طاهری هم تذکر دادند این را معلق کرده اند باینکه این مجازات را محکمه اداري معین میکند ولی معلوم نیست که محکمه اداري برطبق چه مقرراتی نایب الحکومه متخلفی را مجازات میدهند . . .

دکتر طاهری - ماده چهار

روحی - اجازه بدهید به چه ترتیب؟ برطبق کدام قوانین و مقرراتی

دکتر عطیایا - قانون استخدام

رئیس - مباحثه بفرمائید

روحی - بنظر من در این موقع قانون استخدام مجازاتش کافی نیست و باز هم عرض میکنم که این باعث میشود که حکام و نایب الحکومه ها نظر بخصوصیانی که با اشخاص بکنند با عدم اطلاعی که بقوانین دارند با بی اعتنائی بامور قضائی متخلفی شوند و حقوق بعضی را تضییع کنند در آن صورت اگر متظلم شدند و جلس

از تصرف او خارج کنند و هر گاه در محاکم صالحه معلوم گردید که مال از تصرف کسی که سبق تصرف داشته خارج شده است اقدام کنند مسئول خسارت وارده بر متصرف خواهد بود.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - اگر چه بنده در ماده سوم هم عرض داشتم و نا اندازه معتقد بودم از نقطه نظر آقای روحی که متصدیان این امر منحصر به نایب الحکومه و حاکم نیست چنانچه در قانون ذکر شده و امنیه و نظمی هم هست يك تكلیف روشن و معینی ذکر شده باشد. در این جا يك قسمت اداری نوشته اید در قسمت اداری بنده عرض میکنم مربوط باین قانون نیست اگر آنها يك تقصیرات اداری کرده باشند این از وظایف اداره مربوطه شان است که آنها را جلب بمحاکمه اداری بکنند در حالتیکه در این موضوع بخصوص اینها مسئول وزارت عدلیه و مأمور وزارت عدلیه هستند چنانچه آقای وزیر محترم هم فرمودند که هیچیک از اینها یعنی حاکم و نایب الحکومه اقدامی نمیکند مگر پس از آنکه از طرف وزارت عدلیه بانها اجازه داده شود و وزارت عدلیه هم باید مأمور خودش را خودش محاکمه کند البته محاکمه که در وزارت عدلیه میشود از این مقوله است که آیا این مالی را که از تصرف متصرف اولی خارج کرده و بتصرف دیگری داده این اقدامات او عدوانی نبوده خصمانی نبوده و اگر چنانچه راستی و حقیقت يك دسیسه کرده باشد البته این دسیسه که این کرده يك صورتی بهش داده و مالی از تصرف متصرف عدوانی خارج کرده و بتصرف متصرف اولی داده برایش هم يك صورتی تهیه میکند و این عمل را مرتکب میشود. بنده عرض میکنم راست است میشود این را برگردانیم و تطبیق کنیم با يك قوانینی که در خارج وضع شده ولی اگر چنانچه موکول بقوانینی که در خارج است میخواهید بکنید خوب قسمت اداری آن هم در قانون استخدام برایش مراتب و مراحل ذکر شده پس ذکرش

است پیشنهاد کنید البته در کمیسیون می بینیم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - نظر باینکه این قانون را بنده آنچه خودم فهمیدم فوق العاده بحال مردم نافع است بعضی عرایضی هم که بنده این جا میکنم برای توضیح است و برای این است که اگر يك اشکالی باشد از بیاناتی که آقای وزیر عدلیه میفرمایند و مخبر از طرف کمیسیون میگوید در صورت مجلس نوشته میشود شرح قانون داده شود و در مقام عمل منافع دارد از این جهت بنده می آیم این عرایض را میکنم حالا اگر آقای وزیر عدلیه بفرمایند تو هم در کمیسیون حرف میزنی و هم در این جا برای این است . . .

وزیر عدلیه - بنده همچو حرفی نزد

آقا سید یعقوب - در اینجا نوشته شده است : (ماده چهار - در مورد مواد ۱ و ۲ پس از اینکه مال در تصرف کسی ابقاء شد) در اینجا سه قسم است يك قسم این است که بکنفری میخواهد شروع بکند بخارج کردن مالی از دست کس دیگر يك قسم آن این است که از تصرف فوراً خارج کرده است يك قسمش هم مزاحمت است . بنده عقیده خودم را در مجلس عرض می کنم که عنوان رفع مزاحمت هم باشد . این سه مورد را ما خواستیم در این جا در این يك کلمه ذکر کنیم (پس از اینکه مال در تصرف کسی ابقاء شد) بنده میخواهم عرض کنم که این کلمه ابقا هر سه قسم را شامل نمیشود بنده عرض میکنم طوری در نظر بگیرید که رفع مزاحمت از تصرف واقع شود اگر هم میفرمایند کلمه ابقا شامل هر سه قسم میشود و صریح الدلاله است عرض ندارم اما بنده میخواهم عرض کنم که شاید در مقام قضاوت و فهم قانون اگر کلمه رفع مزاحمت بنویسیم بهتر است این را جمع بآن . اما راجع به نظری که بنده خودم عرض کرده و پیشنهاد هم کرده بودم در کمیسیون باز دفاع از عقیده خودم هم میکنم چون میدانم موافق هستید و مقصود واضح بودن مطلب است . مسئله اخیراً آقای وزیر عدلیه

توجه نداشتند که جواب آقای کازرونی را بدهند و الا این چیزی نیست غلط نیست عبارت صحیح است اصل مقصود این است که این مال را مأمور یا مدعی العموم یا امین صلح از تصرف من خارج کرد و ثابت شد که سبق تصرف با من بوده است و بی جهت خارج کرده است حرف این است پس این عبارت صحیح است و پس از آنکه معلوم شد در محکمه آمده است شما رفقید شکایت کردید بامین صلح که این مال که در تصرف فلانکس است مال من است

کازرونی - معلوم شد تبانی بوده است

آقا سید یعقوب - بیکاه هم تمام نشده فوراً امین صلح حکم کرد از دست من گرفتند بعد رقیتم در محکمه سبق تصرف خودم را ثابت کردم که سابقاً در تصرف من بوده است نه اینکه ثابت کردم از دست کازرونی گرفته ام و مال او بوده است سبق تصرف خودم را ثابت کردم . . . کازرونی - اضطراب دارد .

آقا سید یعقوب - بلی اگر اول يك قدری توجه میفرمودند عبارت صریح است برای فهماندن این مدعی و اگر دقتی شود اشکالی ندارد حالا اگر عبارتی صریحتر در نظر دارید پیشنهاد کنید

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

دکتر عظیمی - در این جا يك اشکالی است که لازم است تذکر داده شود اگر اجازه میفرمائید توضیح عرض کنم. رئیس - استفاده کنید از موقعتان بعنوان عدم کفایت مذاکرات بفرمائید

دکتر عظیمی - اشکالی که این جاهست این است که مینویسد اگر چنانچه این کار را کردند و در محکمه معلوم شد که این شخص خطا کرده است باید از عهده خسارت بر آید اما این معلوم نیست که آیا کسی که آمده است و این مال را و ملک را بزور برده او باید از عهده خسارت بر آید یا کسانی که با او موافقت

کرده اند و نمیگذاشتند این را از دست او بگیرند اینچنینی بود
که فقط اقدام کنند مسئول خواهد بود یعنی مأمورین
یعنی آن کسیکه این را تصرف کرده است . . .

آقا سید یعقوب -- مأمورین

دکتر عظیمیا -- پس چه کنند معلوم میشود که این

ملک در تصرف متصرف عدوانی بوده آنوقت باید این
مأمور از عهده این کار بر بیاید یعنی این ملک را زد
و برد ولی این باید هم پول بدهد و هم خسارت باین
جبهه باید یک توضیحی آقای وزیر عدلیه بدهند که مقصود
از اقدام کننده کیست

وزیر عدلیه -- عبارتی که اینجا نوشته شده است
البته هر دو را میگوید هم آن کسیکه اقدام کرده و
آمده است و عارض شده است که بطور عدوانی مالی را
از تصرف من خارج کرده اند و بعد هم معلوم شده است
که بی ربط میگوید و هم آن مأمور مسئول خسارت است
چون این را اگر نمیگفتم و نگوییم هم بجای خودش
معلوم است که یک کسیکه آمد و یک ادعائی کرد اگر
معلوم شد بی ربط میگوید هم او مسئول است و هم آن
مأمور که در صورتیکه آن شخص سبق تصرف داشته بعنوان
تصرف عدوانی مال را از دست او گرفته داده است بدیگری
البته او را هم شامل است عبارتی که اینجا نوشته این
است حالا اگر یک عبارت بهتری را آقا بنظرتان میرسد
ممکن است پیشنهاد بدهید البته قبول میشود

رئیس -- مذاکرات کافی است؟ (نمایندگان -- بلی)

رئیس -- ماده ۵ قرائت میشود :

ماده ۵ - رسیدگی بدعوی ناشی از تصرف عدوانی
خواه مدعی سبق تصرف بدون مراجعه بمأمورین مذکور
در ماده ۲ محکمه مراجعه کرده باشد و خواه در نتیجه
عمل مأمورین مذکور دعوی بمحکمه رجوع شده باشد
باید بفوریت و خارج از نوبت بعمل آید .

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

شد در این جا تقدم و تاخر برای کدام است
و کدام يك مرجع از برای تقدم و تاخر هستند . در
آنجا در موضوع اجرائی آقای وزیر عدلیه صحبت کردند
که اگر همچو چیزی واقع شد آنکسی که حکمش زود تر
رفته است با اجرا آن اجرا میشود در اینجا هم اگر يك
مراتبه چهار پنج عریضه عدوانی وارد شد يك چیزی
در نظامنامه خودشان منضبط کنند که کدام يك مقدم
هستند ؟

وزیر عدلیه -- در این قسمت که سؤال کردند که
وقتی نباشد راجع بتصرف عدوانی سه نفر وارد شدند چه
میشود اینها نسبت به کارهای دیگر تقدم پیدا میکنند
ولی چون البته در آن واحد نمیشود هر سه را رسیدگی
کرد البته نسبت بهم نوبت پیدا میکنند .

رئیس -- مذاکرات کافی است؟ (بلی) ماده ششم
قرائت میشود :

ماده ششم - تصرف مباشر یا مستخدم یا کارگر در
اموال ارباب یا مخدوم و یا کار فرما تصرف از قبل آنها
بوده و مشمول مواد فوق نیست .

رئیس -- آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری -- بنده عقیده ام این است که این
تصرف مستاجر را هم باید اضافه کنیم در ماده ششم
نوشته است : تصرف مباشر یا مستخدم یا کارگر در اموال
ارباب یا مخدوم و یا کار فرما تصرف از قبل آنها است .
ولی در منفعت اگر باشد مال خودش هست . ولی اگر
مستاجری آمد و گفت من متصرف بودم و آمدند از او
گرفتند و گفتند که اینجا را ما متصرف شدیم اینرا
نمیشود مشمول این مواد نرد بعقیده بنده تصرف مستاجر
را در عین آن هم باید اضافه کرد

وزیر عدلیه -- عرض کنم در اینکه مستاجر در
قسمت مربوط بمنافع خودش متصرف باشد و مالک آن
منافع باشد بنده حرفی ندارم در هر حال بنده خیال

می کنم آن شکلی که ما نوشتیم جمیع اطراف قضیه
را نگاه کردیم که فرقی بین مالک و
مستاجر نیست و در هر حال بنده الان نمیتوانم يك جواب
قطعی به سؤال ایشان بدهم آقا ممکن است پیشنهاد بدهند
در کمیسیون بحث کنیم بعد نظرشان تأمین خواهد شد
رئیس -- آقای فهمی

فهمی -- مدلول ماده شش خبر کمیسیون بکلی مخالف
ماده پیشنهادی آقای وزیر عدلیه است بنظر بنده ساده
پیشنهادی آقای وزیر عدلیه منطقی تر است . زیرا ماده
وزارت عدلیه این است تصرف مباشر یا مستخدم یا کارگر
بارعیت در اموال ارباب یا مخدوم و یا کار فرما تصرف از قبل
غیر بوده و مشمول مواد فوق خواهد بود
بعضی از نمایندگان -- نخواهد بود .

فهمی -- اگر «تصرف از قبل» باشد بایستی خواهد
بود « باشد در اینجا نوشته اند که تصرف از قبل بوده
و مشمول مواد فوق نیست . تصرف آنها بطور مطلق یعنی
اگر مستخدم یا کارگر مال ارباب یا مخدوم را برد فروخت
یا هر معامله خواست بکند آیا این حق را دارد ؟ بطور
کلی میتوان تصرف را از آنها قبول کرد ؟ باندازه که
اجازه دارد از طرف ارباب یا مخدوم یا کار فرما البته از
قبل آنها است اما بطور مطلق تصرف مستخدم یا کارگر
را نمیتوان از قبل مخدوم یا کار فرما دانست و گفت شامل
مواد فوق نخواهد بود مگر اینکه بگوئیم تصرف نااندازه
که اجازه داده شده تصرف مطلق حق فروش هم خواهد بود
حق انتقال بغیر هم خواهد بود حق همه قسم معامله خواهد
بود ولی البته این تصرف تصرف مطلق نیست تصرفی است
در حدود اجازه که از طرف صاحب مال بآنها داده
شده است این است که اینطوری که در رأیت کمیسیون
نوشته شده است تصرف مطلق را میفهماند و بنده تصور
میکنم حق اینها را از بین خواهد برد .
وزیر عدلیه -- بنده عرض میکنم یکقدری مسئله

سوء انجام شده اساساً همانطوریکه عرض کرده لایحه وزارت عدلیه هم نخواهد بود؟ هست در اینجا که تصرف مباشر و کارگر و امثال اینها تصرف از قبل غیر است و مشمول مواد فوق نخواهد بود. چنانچه البته بدون اینکه نظر مخصوص داشته باشد که قانون را جور دیگر درست بکند اینطور چاپ کرده ولی اصل مطلب را میخواهیم بفهمیم. فرض بفرمائید آقا يك مباشری دارید در ده متصرف است. دیگر عمال او در تصرفش است وقتی که شما میخواهید این را بیرواش کنید اگر بیاید بگوید آقا بنده که متصرفش هستم حالا اگر شما میخواهید از دست او بگیرید استماتان هم آن کسی باشد که آمده اید و عدواناً تصرف کرده اید مال را هم از دستتان بگیرید؟ چون آن شخصی است که نمایندگی از طرف شما داشته باو کفایت بلند شو برو باید برود تصرفی که در هر صورت دارد. حالا ممکن است شما با نماینده خودتان قرار داده باشید که یکساله نمایندگی شما را داشته باشد اما اگر نخواهید که در اینجا نمایندگی شما را انجام بدهد میخواهید برود جای دیگر او نمیشود بگوید که خیر از دست من نمیتوانید خارج کنید تصرف این اشخاص يك تصرفی است که نمایندگی از طرف دیگری بعمل بیاید فرض بفرمائید که اسباب خانه شما البته زیر دست آدمتان است حالا می آید این شخص قالیچه خانه شما را که در دستش سپرده شده است میخواهد ببرد بفروشد شما میخواهید از دستش بگیرید بگوید آقا متصرف هستم آنوقت شما از دست او گرفتید شما را بگویند عدواناً گرفته اید؟!...

آقا سید یعقوب -- نه.

وزیر عدلیه -- طبیعتاً این از موارد تصرف عدوانی نیست این است که ماده آمده است تعیین کرده است يك مواردی را که مثال بوده است البته اینها مثال است وقتی که يك کسی در پیش دیگری بعنوان کارگر بعنوان مستخدم است و در اموالی که مال آن شخص است وزیر دست او است متصرف است میگویند این تصرف بهر فی نیست

که خود آن شخص را ما بتوانیم بگوئیم متصرف است و اگر او خواست بر خلاف میل مالک در تصرف او باقی بماند و اگر شخص مالک بعد آمد مال خودش را از دست او گرفت دیگر این را نمیشود تصرف عدوانی گفت تصور میکنم باین ترتیب خود آقا موافقت بفرمائید. شما وقتی پیشخدمتتان اگر نباشد اسبابی که در دست او است و نوبی اطاق بوده است خواستید بگیرید بگوید خیر این در تصرف من است شما حق ندارید از او بگیرید؟! بنابراین در این قسمت اشکالی نیست

رئیس -- مذاکرات کافی است؟

افسر -- کافی نیست.

رئیس -- مخالفید بفرمائید

افسر -- چون جواب آقای طاهری داده نشد باین جهت بنده مذاکره را کافی نمیدانم اگر اجازه میفرمائید عرض کنم

رئیس -- بفرمائید

افسر -- عرض کنم راجع بمستأجر که فرمودند مستأجر باید وقت اجاره است اگر در وقت اجاره است تصرفش درست است و موقع برداشت محصول و منافع اشکالی ندارد و اگر موقع اجاره اش تمام شده در حکم آهائی است که نوشته اید اگر کسی آمده باشد بدون رضایت در ملک شما و اگر بعد از اینکه باو اطلاع دادید نرفت این تصرف عدوانی حساب میشود. در موقعیکه اجاره اش تمام شد اگر باو بگوئید برو یا بتصرف دیگری بده اگر نداد در حکم تصرف عدوانی است و اگر داد محل نزاع نیست بنظر بنده آقای وزیر این جواب را که دادند کافی بود برای این و دیگر محتاج بمذاکره در کمیسیون نخواهد بود

رئیس -- مذاکرات کافی است (بلی) دو پیشنهاد یکی از آقای ارباب ویکی از آقای طاهری رسیده است قرائت میشود:

بنده پیشنهاد میکنم ماده شش خبر کمیسیون بترتیب ذیل اصلاح شود:

تصرف مباشر یا مستخدم یا کارگر در اموال ارباب یا مخدوم و یا کار فرما تصرف از قبل آنها و بعنوان انجام خدمت بوده و مشمول مواد فوق نیست. کیخسرو بنده پیشنهاد میکنم در ماده شش اضافه شود و هم چنین است تصرف مستأجر در عین مستأجره دکتر طاهری بنده پیشنهاد میکنم ماده ششم حذف شود. دشتی.

بنده پیشنهاد میکنم در ماده شش اضافه شود. لفظ مستأجر و هر قبیل مداخلاتی که اهالی است -- فیروزآبادی رئیس -- ماده هفتم قرائت میشود:

ماده ۷ -- مستأجر و اشخاص مذکور در ماده شش میتوانند در غیاب صاحبان اموال از تصرف عدوانی به مامورین مذکور در مواد ۶ و ۲ شکایت نمایند

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده چون خیلی در انقلابات زندگانی کرده ام همیشه در صحبت کردن و حل يك مسئله نمیتوانم خود داری کنم. در اینجا راجع به کلمه مستأجر آقای دکتر طاهری يك بیاناتی فرمودند آقای افسر هم يك بیاناتی فرمودند آقای وزیر عدلیه يك بیاناتی فرمودند اصل مطلب اورت شد و واضح نشد بعد ماده هفتم میگوید فلان. ما بحمدالله امروز دولتیمان خیلی قوی است دولت قوی ما قانونش روی قانون مدنی است و قانون اساسی قانون اساسی هم دیانت مقدسه اسلام را معین کرده و دولت ما را مکلف به تبعیت و اطاعت کردن از آن کرده و اصل مالکیت را محفوظ کرده است و سلطنت شخص نسبت باهلاک کاملاً محفوظ است. بنده نمیفهمم مستأجر در حین که موقع اجاره اش است مدن اجاره است این مالک منافع است مالک منافع که واقع شد کسی متعرض او نیست اگر کسی آمد و مداخله کرد در تصرف او چون بد او بد عاریت نیست بد مالکیت است او میتواند باین مراجعه که ما معین کردیم رجوع

کند وقتی که مدت اجاره اش تمام شد اگر باشد غاصبانه است من عقیده ام این است که بعد از اینکه پادشاه ما دارای دیانت مقدسه اسلام است و بقرآن قسم خورده است و ماها بقرآن قسم خورده ایم و قانون اساسی قانون ما است بیائیم بگوئیم مستأجر بعد از آنکه مدت اجاره اش تمام شد باز هم حق دارد؟ بنده هیچ قائل نیستم مجلس هم قائل نیست بنده میگویم مادامی که در اجاره است بد او بد مالکانه است ولی مادام که اجاره اش تمام شد بد او بد غاصبانه است دیگر معنی ندارد که آن مال را بر گردانند بصاحبش پس حکم مستأجر حکم سایر اشخاص در ماده شش نیست. اشخاص مذکور در ماده شش میتوانند در غیاب صاحبان اموال مراجعه به محکمه بکنند مباشر شما است نوکر شما است يك کسی از دست شما میخواهد مالی را بگیرد این از طرف آقای خودش میگوید این را می خواهد از دست من بگیرد یا کارکشماست نیتش بدست او داده اید کار بکنند يك کسی می آید می خواهد از دستش بگیرد آن شخص به پلیس رجوع میکند که چون کارگر فلان شخص هستم این میخواهد نیتش مرا بیل مرا از من بگیرد مامور پلیس اداره نظمیه جلوگیری میکنند اما مستأجر هیچ داخل اینها نیست قانون مدنی و قانون اساسی همین است قوانینی هم که گذرانده ایم و از کمیسیون عدلیه گذشته است بحمدالله روشنائی چشم تمام ایرانیان است مطابق با قانون اساسی و قانون مدنی است.

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- اگر کسی درست دقت نکند ممکن است تصور کند که در فرمایشات آقا اعتراضاتی باشد یا اشعاراتی باشد که تخلف از قوانین اسلام شده باشد در این ماده...

آقا سید یعقوب -- نه نشده است.

شریعت زاده -- در صورتیکه این ماده کاملاً مطابق با مقصود ایشان بوده است و غیر قابل اعتراض برای اینکه گفته شد تا وقتی که مستأجر در يك ملک حق

انتفاع دارد تصرف عدوانی در آن ملک بطور کلی ممنوع است و او هم حق اعتراض بر آن تصرف دارد پس اینکه موافق مقصود آقا بود. نسبت باشخاص دیگر هم که اظهار موافقت فرمودید (آقا سید یعقوب - صحیح است) پس بنده تفهیمیدم این توضیحاتی که فرمودید این اشعار از چه بوده است؟ آیا قانون موضوع تشریح حضرتعالی بود یا کسی یا شما صحیح کرده بود؟ کسیکه یا شما صحیحی نکرده بود.

تصرف بقهر و غلبه بعمل آمده با بقهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار از تخلیه بد امتناع نباید بحسب تادیبی از يك تا ششماه محکوم خواهد شد ولو تصرف او مستند با دعای حقی باشد هر گاه مرتکب دو نفر بایشتر بود و یکی از آنها لااقل حامل سلاح باشد یا بیش از سه نفر بوده ولو هیچ يك مسلح نباشند بحسب تادیبی از ششماه الی دو سال و بتادیبه غرامت از پنجاه الی پانصد تومان محکوم خواهند شد

تبصره - ماده ۲۶۵ قانون مجازات عمومی ملغی است.

رئیس - مخالفی نیست؟ (اغلب نمایندگان - خبر) پیشنهادی از آقای دکتر عظیمی رسیده است قرائت میشود: بنده پیشنهاد میکنم که کلمه لااقل در ماده ۸ حذف شود.

رئیس - آقایانی که موافق باشند دوم هستند قیام فرمایند (اکثر حضار قیام نمودند) تصویب شد

(۴ - سؤال آقای اعتبار از آقای وزیر داخله راجع) (بمخارج پرسنلی بلدیة ها)

رئیس - آقای اعتبار سؤالی از آقای وزیر داخله کرد بودید ایشان برای جواب مهیا هستند بفرمایند.

اعتبار - آقایان در نظر دارند در چندی قبل يك قانونی مجلس تصویب کرد که مخارج پرسنلی بلدیة ها از عشر عایدات بلدیة ها باید بشود بالاخره اینقانون بوزارت داخله رفت و با اشتراك نماینده مالیه يك مشكلاتی تهیه شد که بنده اینجا محتاج شدم از آقای وزیر داخله در این باب سؤال و توضیح بخواهم و ایشان هم توضیح فرمودند مخارج پرسنلی را تقریباً اشخاصی که پشت میز نشین هستند که عبارت میشود از منشی و محاسب و ثبات و ضباط اینها را ما گفتیم مأمور پرسنلی هستند که میبایستی از عشر عایدات بلدیة تجاوز نکنند بالاخره باز در آن موقع حل شد و اخیراً در وزارت مالیه باز

همان اشخاصی هستند که با رئیس بلدیة هستند یا منصدی بلدیة هستند یا منشی با ثبات با ضباط هستند و این قبیل اشخاص هستند که با آنها اطلاق اعضای دفتری میشود ولی سایر قسمتها البته نمیتوانند وارد این دسته بشوند و تصور میکنم در وزارت مالیه هم سوء تفهیمی شده يك اشکالی کرده اند البته با این توضیحاتیکه مجدداً داده شده تصور میکنم اشکالی باقی نماند و کاملاً همان است که آقای اعتبار فرمودند (۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

رئیس - اگر موافقت میفرمائید جلسه آینده باشد برای پنجشنبه ۲۳ آبان ماه دستور لواجی که از کمیسیون عدلیه میرسد

(مجلس یکربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

رئیس - ماده هشتم قرائت میشود:

ماده هشتم - مرتکب تصرف عدوانی در صورتیکه